

«جنس در گفتار»

بحث دیگر در مورد جنسیت، بحث بر سر لهجه‌های هر زبان است. در بررسی هر زبانی در قدم اول باید به این نکته پی برد که آن زبان یکدست نیست؛ یعنی بین سخنگویان آن از نظر تلفظ واژگان و دستور زبان تفاوت‌هایی وجود دارد. برخی از این تفاوت‌ها گروهی است که معمولاً به عواملی غیر زبانی مانند منطقه جغرافیایی، درجه تحصیلات، طبقه اجتماعی، مذهب، حرفه و بسیاری از عوامل دیگر که در جامعه گروه‌بندی‌هایی ایجاد می‌کنند، بستگی دارد.

«جنس در فارسی گفتاری»

از جمله عواملی که ممکن است در گفتار منعکس گردد و ایجاد نوعی تمایز نماید، جنسیت است. گفتار زنان در هر جامعه زبانی ویژگی‌هایی دارد که آن را کم و بیش از گفتار مردان متمایز می‌کند. گاهی این تفاوت‌ها در سطح واژگان و گاهی جنبه آوایی و زمانی نیز در نظام دستوری منعکس می‌شود.

«واژگان و تعبیرات»

واژگان و تعبیرات زنانه علاوه بر چند واژه خاص شامل انواع نفرینها و دعاها می‌شود و در مقابل آنها، در زبان مردان، فحش و دشنام است و این مسأله‌ای تاریخی - فرهنگی است.

البته در برخی مناطق تفاوت‌ها بیشتر و در برخی کمتر است مثلاً در میان ترکمنها، تفاوت‌ها و تمایزهای مرد و زن بسیار زیاد است. علاوه بر این، مسأله خشونت نیز در زبان مرد و زن تمایز ایجاد می‌کند. به طور کلی زبان مردان خشونت بیشتری دارد و این نکته در تمام زبانهای دنیا صادق است. این خشونت مشخصه‌ای مردانه است و برای کلام زنان، زیبا و پذیرفته نیست، ولی مهمتر از این، اصطلاحات زنانه است که برای مردان نه تنها مطلوب نیست که سخت منفور است.

عنوان مقاله : طبقه‌بندی نقدهای نوشته شده بر ترجمه‌های فارسی قرآن کریم
نویسنده : هادی حجت
مأخذ : ترجمان وحی، س چهارم، ش دوم، (اسفندماه ۷۹)، شماره پیاپی
۸، ص ۷۲ تا ۸۲

این مقاله به طبقه‌بندی نقدهایی که بر ترجمه‌های فارسی قرآن نوشته شده پرداخته است. این نقدها به طور کلی از دو جنبه صوری و محتوایی قابل بررسی و طبقه‌بندی است:

۱- طبقه بندی صوری نقدها: اگر از اندک مقالاتی که موضوع اصلی آنها نقد مقدمه، مؤخره یا توضیحات ذیل صفحه (پانوشتها) است بگذریم و به سراغ آنهایی برویم که مستقیماً به نقد متن پرداخته‌اند، می‌توان آنها را از لحاظ صوری به دو دسته عمده تقسیم کرد: نقدهای خاص و نقدهای عام.

۱-۱ - نقدهای خاص: مراد از نقد خاص، نقدی است که از آغاز به منظور بررسی ترجمه‌ای خاص نوشته شده است. این گونه مقالات که بخش عمده‌ای از مقالات نقد ترجمه‌های قرآن را تشکیل می‌دهد، خود از لحاظ صوری و ساختاری به دو زیرگروه تقسیم می‌شود: نقد خاص ترتیبی و نقد خاص عنوان یافته.

۱-۱-۱ - نقد خاص ترتیبی: به مقاله‌ای اطلاق می‌شود که نویسنده آن بخشی از ترجمه مورد نظر یا تمام آن را موضوع نقد خود قرار داده و از ابتدا تا انتهای آن را به ترتیب سوره‌های قرآن مطالعه و نقد کرده است. این شیوه یکی از رایجترین شیوه‌های نقد کتاب به شمار می‌رود. از این نمونه نقد می‌توان نقدهای آیتی، امامی، خرمشاهی و فولادوند را نام برد.

۱-۱-۲ - نقد خاص عنوان یافته: به مقاله‌ای اطلاق می‌شود که منتقد، نقدهای خود را تحت عناوین و موضوعاتی کلی ارائه می‌دهد. منتقد در این روش پس از اینکه در مطالعه ترجمه مورد نظر لغزشگاه‌های آن را مشخص می‌کند، آنها را براساس نوع لغزش به طبقات و گروه‌هایی تقسیم می‌کند و ترجمه‌های نادرست را تحت این عناوین قرار می‌دهد. از جمله این نقدها، نقد مرحوم سیدمحمد فرزاد در

سالهای ۳۷-۱۳۳۸ در نقد ترجمه آقای ابوالقاسم پاینده و نقد سید حیدر علوی نژاد را بر ترجمه استاد آیتی می‌توان نام برد.

۱-۲- نقد‌های عام: نقدی را عام می‌گوییم که هدف نویسنده آن نقد یک ترجمه مشخص نیست، بلکه برای یافتن نمونه مورد نظر خود، ممکن است به سراغ هر یک از ترجمه‌های موجود برود و از یک یا چند ترجمه، شواهدی بر مطلب مورد نظر خود بیابد. نقد عام را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: نقد عام موضوعی و خرده نقد یا نقد ضمنی.

۱-۲-۱- نقد عام موضوعی: مقاله‌ای است که نویسنده موضوع خاصی را که با ترجمه مرتبط است، انتخاب می‌کند و مصادیق آن موضوع را در ترجمه‌های مختلف به نقد و بررسی می‌گذارد. نقد‌های عام موضوعی چنانچه از دقت و علمی بودن لازم برخوردار باشد، تأثیر بسزایی در پیشرفت گستره تحقیقات ترجمه قرآن خواهد داشت.

۱-۲-۲- خرده‌نقد یا نقد ضمنی: نقد‌هایی است که در لابه‌لای کتابها و مقالات مختلف می‌توان آنها را یافت و نویسنده به تناسب بحث به نقد ترجمه یک یا چند آیه اشاره کرده است، خواه به نام مترجم آیه تصریح کرده یا بدون ذکر نام به نقد آن پرداخته باشد.

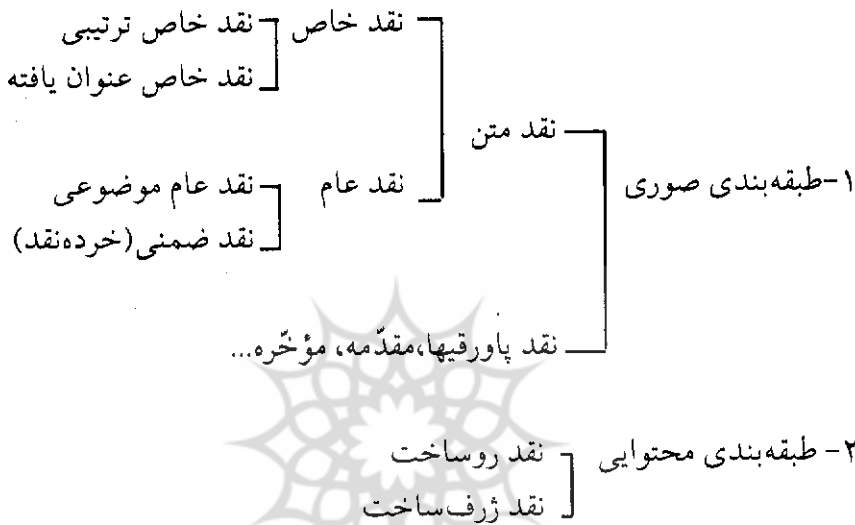
۲- طبقه‌بندی محتوایی نقد‌ها: در این بخش مقاله‌ها را بانگاه به محتوایشان به دو دسته نقد روساخت و ژرف ساخت تقسیم می‌کنیم.

۱-۲- نقد روساخت: نقدی است که به مباحث روینایی و ساختارهای ظاهری ترجمه توجه دارد و نقد کننده به دنبال نشان دادن پیامدها، نتایج و عواقب منفی که این نوع لغزش از لحاظ اعتقادی، کلامی، هنری و... بر جای می‌گذارد، نیست؛ مثلاً جا افتادگیهای عبارت، خطاهای مطبعی، علایم سجاوندی، عدم تفکیک ترجمه از تفسیر در متن، ارجاع نادرست ضمایر، عدم رعایت ساختار نحوی زبان فارسی در ترجمه، نمونه‌هایی از عناوینی است که در نقد روساخت بدان پرداخته می‌شود.

۲-۲- نقد ژرف ساخت: این نقد را بر نقدی اصطلاح کرده‌ایم که در آن منتقد از لغزشهای ظاهری و صوری پا را فراتر می‌نهد و به مباحث فراواژه‌ای و فراجمله‌ای

نظر می‌کند؛ به طور مثال به حوزه معنایی واژه‌ها وارد می‌شود و به بازتابهای معنایی آن نظر می‌کند یا به نتایج کلامی و اعتقادی ترجمه نادرست آیه می‌پردازد و یا احیاناً به حوزه مباحث زیبایی شناختی مرتبط به بحث وارد می‌شود.

نمودار طبقه بندی نقدهای ترجمه‌های قرآن کریم



عنوان مقاله : نگاه و نقدی بر ترجمه‌های آهنگین و منظوم قرآن
 نویسنده : محمد حسن زمانی
 مأخذ : ترجمان وحی، س چهارم، ش دوم، (اسفندماه ۷۹)، شماره پیاپی
 ۸، ص ۳۲ تا ۶۲

این مقاله به معرفی و نقد ترجمه‌های منظوم قرآن در دو فصل ترجمه‌های آوایی و ترجمه‌های منظوم می‌پردازد.

فصل اول: ترجمه‌های آوایی، ترجمه آوایی ترجمه‌ای است که وزن و قافیه معینی ندارد، اما نثر ساده هم نیست، بلکه جمله‌ها دارای آهنگی سازگار است و از

آوای مشترکی پیروی می‌کند که گاه در شعر نو تجلی می‌کند. این ترجمه‌ها عبارتند از:

۱- ترجمه‌ای آهنگین از دو جزء قرآن: این ترجمه که در دهه‌های اخیر هنگام تخریب بنای قدیمی کنارگنبد امام رضا(ع) پیدا شد و احتمالاً مربوط به قرن سوم هجری است، ترجمه‌ای مسجع و موزون از آیات قرآن عرضه می‌کند.

این ترجمه که حدود دو جزء از قرآن را دربر دارد، نه تحت اللفظی دقیق است و نه توضیحی و تفسیرگونه، بلکه نوعی ترجمه آزاد است.

۲- متنی پارسی از قرن چهارم هجری: تدوین این ترجمه ظاهراً پس از نگارش ترجمه تفسیر طبری بوده، زیرا عبارات و مطالب آن برگرفته از این تفسیر است. اما امتیازی که بر ترجمه تفسیر طبری دارد موفقیت نسبی در ایجاد سجع و آهنگ در ترجمه برخی آیات است.

۳- تفسیر نسفی: این تفسیر مختصر که در دو جلد چاپ شده، تألیف امام ابو حفص نجم‌الدین عمر بن محمد نسفی در قرن ششم هجری و از تفاسیر کهن قرآن کریم است.

این ترجمه و تفسیر فارسی با نثری ادبی و زیبا تدوین شده و در همه عبارات آن به نوعی نکات و ظرایف ادبی به کار رفته است. مترجم در موارد بسیار از سجع بهره جسته و پایان جملات را به پیروی از قرآن همگون کرده است.

۴- تفسیر کشف الاسرار و عده‌الابرار: این تفسیر تألیف ابوالفضل رشیدالدین میبیدی به سال ۵۲۰ ه. ق است. اصل این تفسیر همانطور که میبیدی می‌گوید از خواجه عبدالله انصاری است و میبیدی آن را بسط و تفصیل داده است. میبیدی در این کتاب آیات را در سه نوبت تفسیر کرده است.

گرچه نثر ترجمه آیات در تفسیر مزبور ساده است و آهنگ و سجع خاصی در آن به کار نرفته، اما وجود جملات فراوان آهنگین و مسجع در تفسیر و برداشتهای حکمی و عرفانی از آیات در سراسر مجلدات دهگانه، می‌تواند این تفسیر را در زمره ترجمه و تفسیرهای مسجع و موزون قرآن قرار دهد.

۵- ترجمه آقای فولادوند: این ترجمه از بهترین ترجمه‌هایی است که در